

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: هوادار پورتال
۰۲ جنوری ۲۰۱۴

برای بیست سالگی جنبش زاپاتیستی

زندگی در چیپاس چگونه است؟



ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیست (EZLN) روز یکم جنوری ۱۹۹۴ وارد شهر سان کریستوبال و شش شهر دیگر در ایالت چیپاس مکزیک شد. جهانیان در این روز شاهد آغاز مبارزات مردم بومی و سرخپوستانی بودند که علیه نئولیبرالیسم و برای آزادی و برابری به پا خاستند. روحیه ای که بر اعضای این گروه انقلابی حاکم بود از همان روز نخست آزادی گرایانه و ضدسلسله مراتبی بود و بدین جهت آن را از بقیه گروه های چریکی مارکسیست – لنینیست در دوران جنگ سرد متمایز می کرد.

انتخاب روز یکم جنوری ۱۹۹۴ برای شروع جنبش اتفاقی نبود. در این روز قرار بود توافقات موسوم به ALNA به مرحله اجرا گذاشته شود. این پیمان آزادسازی نئولیبرالیستی مبادلات اقتصادی را بین سه کشور ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک در بطن خود داشت.

نبرد مسلحانه بین نیروهای ارتش آزادیبخش ملی زاپاتیست علیه دولت مرکزی دوازده روز به درازا کشید. رئیس جمهور وقت مکزیک، کارلوس سالیناس دو گورتاری تصمیم به اعلام آتش بس یک جانبه و مذاکره با شورشیان گرفت. او سپس یک اسقف به نام ساموئل روئیز را واسطه مذاکرات کرد. آن ها مدتی طول کشید تا شکل بگیرند. در ماه مارچ ۱۹۹۵ نهادی به نام کمیسیون همکاری و آشتی با شرکت سیاستمدارانی از همه جناح های موجود در مکزیک شکل گرفت. در طی این دوران، حزب سالیناس دو گورتاری انتخابات رئیس جمهور را بُرد و شخص دیگری به نام ارنستو زدی یو به جای او نشست. مذاکرات در روستای کوچکی به نام سان آندرس در ایالت چیپاس ادامه پیدا کردند و سرانجام روز ۱۶ فبروری ۱۹۹۶ توافقاتی به امضاء رسیدند. بر اساس توافقات مذکور، دولت مکزیک موظف شد تا حقوق بسیاری را برای مردم بومی چیپاس به رسمیت بشناسد که یکی از آن ها پذیرفتن مقاله نامه ۱۶۹ سازمان

جهانی کار بود که مکزیک سال ۱۹۹۰ پذیرفته بود. دولت مرکزی مکزیک همچنین خودگردانی گسترده مردم چیپاس را برای بهبود شرایط زندگی خود قبول کرد.

زمانی طول نکشید که دولت مرکزی از عمل به توافقات سرپیچی و تعداد نیروهای نظامی خود را در منطقه چیپاس فزون تر نمود. سرکوب دولتی فجایع گوناگونی آفرید که یکی از آن ها قتل عام ۴۵ تن در روز ۲۲ دسمبر ۱۹۹۷ توسط نیروهای شبه نظامی بود. گروه های شبه نظامی دیگر مردمان مختلفی را وادار به ترک خانه و کاشانه شان در چندین روستای منطقه چیپاس کردند.

در سال ۲۰۰۰ ویسنته فوکس به ریاست جمهوری مکزیک رسید. عده ای به تغییر اوضاع خوشبین شدند چرا که او در تبلیغات انتخاباتی اش گفته بود که مسأله چیپاس را در پانزده دقیقه حل خواهد کرد! هر چند فوکس تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد و از شمار نظامیانی که مناطق گوناگون چیپاس را اشغال نموده بودند کم کرد، اما حاضر نبود به مطالبات مردم چیپاس پاسخ مثبت دهد. در این زمان بود که زاپاتیست ها تصمیم گرفتند یک راهپیمایی سه هزار کیلومتری را از چیپاس به سمت مکزیکو، پایتخت مکزیک، سازماندهی کنند. راهپیمایان روز ۱۱ مارچ ۲۰۰۱ به مقصد رسیدند. دولت مرکزی در برابر این راهپیمایی طولانی و عظیم فقط به تصویب یک قانون به نام قانون حقوق و فرهنگ های بومی بسنده کرد که بسیار محدودتر از آن چه بود که سال ها قبل در کمیسیون همکاری و آشتی در نظر گرفته شده بود. خودمختاری مردم بومی در قانون تصویب شده به کلی فراموش گشته بود. در این جا بود که زاپاتیست ها تصمیم گرفتند ارتباطات خود را با دولت مرکزی قطع نمایند و رسماً برای خودمختاری اقدام نمایند.

نخستین اقدام زاپاتیست ها برای خودمختاری واقعی در ماه اگست ۲۰۰۳ صورت گرفت. آنان در این مقطع «کاراکول» ها را تأسیس نمودند. کاراکول ها چیستند؟ زمانی که در سال ۱۹۹۴ دولت مرکزی اصلاً نمی پذیرفت تا با زاپاتیست ها مذاکره کند، آنان کنترول سی و هشت مرکز شهری یا municipes را به دست گرفتند و حفظ کردند. زاپاتیست ها یک سال بعد این مراکز را aguascaliente نامیدند که در واقع نام شهری در شمال مکزیک است، جایی که امیلیانو زاپاتا و پانچو وئیا با یک دیگر دیدار کرده بودند تا برای ادامه انقلاب گفت و گو نمایند. آگواس کالینته ها به فوروم های بحث و گفت و گوی همگانی برای بررسی مسائل سیاسی و فرهنگی تبدیل شدند. اما می بایستی تا اگست ۲۰۰۳ منتظر می ماند تا تحول این aguascaliente ها را به کاراکول (caracol) می دید، واژه ای که می توان به «حلزون» ترجمه کرد! اکنون در چیپاس پنج کاراکول وجود دارند که سی و هشت municipes را در خود جای داده اند.

چیپاس یکی از ایالات های مکزیک است که دارای بیشترین تعداد مردم بومی و به ویژه سرخپوستان است. اما این مردم جزو فقیرترین ها در کشور هستند. این در حالی است که ایالت چیپاس دارای منابع نفتی، بزرگ ترین امکانات نیروی برق آبی و آب و هوای بسیار مناسب برای کشاورزی است. دولت های مختلف مکزیک عملاً کاری برای بهبود زندگی مردم بومی چیپاس و به ویژه روستاها نکردند. برای مثال در پنج کاراکول فوق الذکر فقط یکی دارای جاده ای آسفالتی است و بقیه جاده ها خاکی و در وضعیتی بسیار بد هستند.

زاپاتیست ها چگونه خودمختاری و خودگردانی را در پنج «حلزون» سازماندهی می کنند؟ چه تفاوتی بین این سازماندهی و نظم دولتی سنتی وجود دارد؟

زاپاتیست ها سازماندهی زندگی خودگردان بی سلسله مراتب و بی رهبری مرکزی را در جوانب مختلف عملی کرده اند که عبارتند از: سیاسی، آموزشی، بهداشتی، زیست محیطی و اقتصادی.

خودگردانی سیاسی زاپاتیستی:

پرسی که در برابر زاپاتیست ها قرار گرفت این بود: چگونه به نوعی دیگر سیاست گذاری نمود؟ چگونه در روند خودگردانی کاراکول ها، زندگی سیاسی شکل می گیرد؟



امروز هر آن کس که وارد مناطق کنترل شده توسط زاپاتیست ها می شود به تابلوهایی برمی خورد که روی آن ها نوشته شده است: «شما وارد منطقه شورشی زاپاتیستی می شوید. این جا مردم دستور می دهند و دولت اطاعت می کند!» این تابلوها زمانی در گوشه و کنار چیپاپاس نصب شدند که مردم شورشی آن برای خودگردانی «شوراهای خودحکومتی» را تشکیل دادند. گروه های مردم که در کاراکول ها زندگی می کنند هر سه سال یک بار تجمع و مستقیماً نمایندگانی برای این شوراها انتخاب می نمایند. تمام نمایندگان انتخابی با هم در شوراها نشست ندارند، بلکه هر هفته یا هر دو هفته تعدادی از آنان جلسه تشکیل می دهند و هفته و هفته های بعد گروهی دیگر. وظیفه نمایندگان انتخابی اجراء کردن برنامه هائی است که مردم در جمعایشان برای آن ها تصمیم گیری کرده اند. این نمایندگان همچنین می توانند پروژه هائی را که به نظرشان برای همه سودمند است پیشنهاد کنند. نمایندگان شوراها موظف هستند تا راه های حلی برای مشکلات پیدا کنند و ارائه دهند. این نمایندگان همچنین باید برای اشخاصی که عضو کاراکول نیستند ولی مشکلی دارند، فعالیت نمایند، چرا که آنان می دانند حکومت مرکزی مکزیکی برای رسیدگی به مطالبات بی کفایت است یا در بهترین حالت بی اعتناست.

زاپاتیست ها همواره تلاش کرده اند برابری کامل زن و مرد را ترویج کنند، اما هنوز مقاومت بخشی از مردم عضو یا غیرعضو در کاراکول ها موجب شده است که این برابری تحقق پیدا نکند، به همین جهت است که هنوز شرکت زنان در شوراها کم رنگ است. با این حال برای نخستین بار در یکی از کاراکول ها که رئالیداد نام دارد تعداد زنان و مردان عضو شوراها برابر شد.

مردم خود را به تأسیس شوراها قانع نکردند. آنان تصمیم گرفتند که برای کنترل این که نمایندگان شوراها به درستی تصمیمات و پروژه ها را اجراء و برای رفع مشکلات تلاش می کنند، کمیسیون های مواظبت را تشکیل دهند. در یکی از کاراکول ها به نام مورلیا یک کمیسیون اطلاعاتی شکل گرفته است که باید به مراجعه کنندگان گزارش کار شوراها و کمیسیون های مواظبت را در هر لحظه ارائه دهد. علی رغم تمام این ها، زاپاتیست ها خواستار این شدند که هر نماینده ای که تصمیمات و پروژه ها را اجراء نمی کند بی درنگ عزل شود و تاکنون بارها چنین اتفاقی افتاده است. زمانی که لازم باشد کاراکول ها با یک دیگر تماس می گیرند تا بتوانند مشکلی را که به تنهایی نمی توانند حل نمایند با به اشتراک گذاری شایستگی ها و امکانات برطرف نمایند. در این جا هرگز سخنی از رقابت بین کاراکول ها نیست و همواره بر همبستگی آن ها تأکید می شود.

یکی دیگر از تلاش های زاپاتیست ها تدوین قوانینی ست که در منطقه خودگردان بایستی وجود داشته باشند. برای مثال آنان با قاچاقچیان که با دریافت پول افرادی را به درون کاراکول ها می آورند برخورد می کنند. قاچاقچیان دستگیر می شوند و از آن ها خواسته می شود که مبلغ دریافتی را به افرادی که خواستار مهاجرت به منطقه خودگردان چیاپاس شده اند برگردانند. سپس زاپاتیست ها این قاچاقچیان را معمولاً پس از دو روز آزاد می کنند.

البته سیستم سیاسی کاراکول ها دارای تناقضاتی ست. برای مثال اگر کسی بخواهد از خارج از یک municipe وابسته به یکی از کاراکول ها دیدار نماید، باید به مرکز آن برود و از آن اجازه نامه دریافت کند. این موضوع نوعی تمرکز گرائی ارزیابی شده است که خودمختاری یک municipe را خدشه دار می کند.

به هر حال الگوی سیاسی زاپاتیستی با شوراها و کمیسیون ها و غیره موجب شده است که هر روز تعداد بیشتری از مردم به عضویت کاراکول ها دربیایند چرا که به تدریج درمی یابند که خودشان مستقیماً از منافعشان دفاع و برای به دست گرفتن امور خود تصمیم گیری می کنند.

خودگردانی آموزشی زاپاتیستی:

وضعیت آموزشی و مدارس در چیاپاس بسیار بد است و دولت مرکزی مسئول آن شناخته می شود. زاپاتیست ها از همان ابتداء اعلام کردند که آموزش و بهداشت دو رکن اصلی ست که بایستی به آن ها توجه شود.



در مکزیک زبان رسمی اسپانیایی ست، در حالی که در سطح کشور مردم بومی پنجاه زبان متفاوت دارند و فقط در چیاپاس دوازده زبان موجود است. در این ایالت ۲۵% مردم فقط به زبان محلی خود تکلم می کنند. در مدارس زاپاتیستی چهار زبان محلی به نام های تزلتال، تسوتسیل، تخولابل و زوکه تدریس می شوند.

البته مسأله در مدارس فقط زبان آموزی محلی نبود. یکی از اعضای کاراکول مورلیا می گوید که دولت معلمانی را به چیاپاس می فرستاد که دغدغه تدریس به دانش آموزان را نداشتند و فقط برای دریافت دستمزدشان به این جا می آمدند. وضعیت آموزشی در چیاپاس چنان بود که حتی زبان اسپانیایی نیز خوب تدریس نمی شد. وضعیت دانش آموزان دختر نسبت به پسر بسیار بدتر بود.

در مدارس زاپاتیستی دگرگونی های فراوانی به وجود آمده است. برای مثال حتی اگر یک دانش آموز مبحثی را یاد نگیرد، آن را تکرار و بازتکرار می کنند. به معلمانی که در مدارس زاپاتیستی تدریس می کنند گفته شده است که باید به هر کودکی فرصت لازم داده شود تا اگر شده با روش خودش به فهم درس برسد. معلمان همچنین موظف شده اند که بهترین روش های آموزشی را یادداشت کنند و در اختیار دیگر همکارانشان قرار دهند. این روش ها می تواند ابتکار یک معلم و گاهی یک دانش آموز باشد.

آموزش در سازماندهی زاپاتیستی کاملاً رایگان است. کاراکول ها موظف اند تمام کتاب ها و وسایل آموزشی را برای دانش آموزان تهیه کنند تا هیچ گونه بار مالی روی دوش خانواده ها نباشد. معلمان داوطلبانه تدریس می کنند و دستمزد دریافت نمی کنند. یکی از اعضای کاراکول باریوس می گوید: «ما امکان پرداخت دستمزد را به معلمان نداریم، اما می توانیم مسکن، غذا و وسایل بهداشتی در اختیارشان بگذاریم.» معلمانی که در مدارس زاپاتیستی تدریس می کنند این سازماندهی را در چهارچوب یک نظم همبسته که هر کس در آن شرکت دارد، پذیرفته اند.

در مدارس زاپاتیستی معلمان را هرگز «استاد» نمی نامند و به آنان «مروج آموزش» گفته می شود. این نامگذاری بدین جهت صورت گرفته است که سنت متکلم الوحده بودن یک معلم در کلاس درس برچیده شود و هر دانش آموزی بتواند نظر خود را بیان کند و اگر روشی برای یادگیری دارد در اختیار دیگران بگذارد.

زاپاتیست ها امکان آموزش در مدارس ابتدائی برای کودکان ۶ تا ۱۲ ساله را دارند. یک کاراکول به نام اونتیک دارای یک دبیرستان است. هیچ کلاسی نباید بیش از بیست دانش آموز داشته باشد و به محض این که تعداد دانش آموزان از بیست نفر بیش تر می شود، کلاس جدیدی تأسیس می گردد. یک آموزشگاه شبانه روزی برای دانش آموزانی ساخته شده است که مجبوراند راه دوری را باید برای آمدن و رفتن به مدرسه طی کنند.

دانش آموزان هر هفته چهل ساعت درس می خوانند. هر دانش آموز هفته ای نصف روز وقت در اختیار مدرسه می گذارد. او در این مدت به نظافت مدرسه و غذاخوری و تهیه غذا کمک می کند.

خودگردانی بهداشتی زاپاتیستی:

در نظم خودگردان زاپاتیستی مسأله درمان و بهداشت دارای اهمیت فراوانی است. بومیان چیاپاس به سختی توانایی معالجه های لازم را داشتند. آنان مجبور بودند با ساعت ها سفر و پرداخت هزینه های سنگین آن، خود را به شهرهای بزرگ برسانند. برخی از بومیان حتا نمی توانستند هزینه سفر را برای درمان تهیه نمایند.



در سال ۲۰۰۵ برای هر صد هزار نفری که در چیاپاس زندگی می کردند فقط ۸۵ پرسنل درمانی اعم از پزشک، پرستار و غیره فعال بودند، در حالی که متوسط این پرسنل در دیگر نقاط مکزیک ۱۳۲ تن بود. روشی که زاپاتیست ها برگزیدند نزدیک کردن مراکز درمانی به مردم نیازمند بود.

در سازماندهی بهداشتی مانند سازماندهی آموزشی، دست اندرکاران حقوقی دریافت نمی کنند. دسترسی به امکانات درمانی برای زاپاتیست ها رایگان است، اما بقیه باید بهای داروهای مصرفی را بپردازند. به همین جهت بسیاری از بیماران برای درمان به مراکز زاپاتیستی می آیند.

در پزشکی زاپاتیستی از گیاهان داروئی زیاد استفاده می شود. در کاراکول رئالیداد نمایشگاهی از گیاهان داروئی برای آشنائی مردم برپا شد. در همین نمایشگاه بسیاری از بازدیدکنندگان دریافتند که گیاهی مانند تره می تواند برای درمان

برخی از سوختگی ها و نیش های جانوران استفاده گردد، گل کاغذی برای درمان سرفه، میوه گویاو برای درمان اسهال و بگونیا برای تبخال مفید است. مسلم است که گیاهان برای درمان همه بیماری ها کافی نیستند، در این صورت داروهای دیگر با روش های مختلف تهیه می شوند و در اختیار بیماران قرار می گیرند.

هر چند زاپاتیست ها تلاش کردند تا با تأسیس چندین مرکز درمانی کوچک، آن ها را در مجاورت بیماران قرار دهند، اما برخی از درمانگاه ها در مراکز کاراکول ها هستند. در مراکز درمانی کوچک خدمات روز به روز گسترش یافته اند به طوری که آن ها مجهز به دندان پزشکی، چشم پزشکی، آزمایشگاه و پزشکی زنان شدند. کاراکول رثالیداد تصمیم گرفت یک درمانگاه مختص پزشکی زنان بسازد.

مراکز درمانی زاپاتیست دارای تمامی امکانات نیستند، در این صورت بیماران به مراکز درمانی حکومت مرکزی مکزیک فرستاده می شوند.

زاپاتیست ها در زمینه بهداشت به کارزارهای پیشگیری اهمیت فراوانی می دهند. برای مثال کلینیک کاراکول اونتیک به مردم پیشنهاد می کند که میوه ها را بشورند، در فضای آزاد ادرار نکنند یا پابرهنه راه نروند. با این حال حمام و مبال همه جا وجود ندارد و آن جایی که هم است عمدتاً با یک پرده مشمائی از بیرون جدا می شود. بسیاری از مردم هنوز ترجیح می دهند در رودخانه ها خود را بشویند یا بیرون از خانه رفع نیاز کنند.

در زمینه پیشگیری از بیماری ها، زاپاتیست ها موفق شدند تمام کاراکول ها را به آب آشامیدنی مجهز کنند در حالی که چنین امکانی پیش تر وجود نداشت، هر چند ایالت چیپاس یکی از پربران ترین ایالت های مکزیک است. در این زمینه کمیته هماهنگی فن آوری های مناسب برای سلامتی در سال ۲۰۰۶ متنی منتشر کرد و در آن نوشت: «چرا مردمی که کنار رودخانه ها زندگی می کنند از تشنگی می میرند در حالی که برخی در وسط یک بیابان به گلف بازی مشغول اند؟»

خودگردانی زیست محیطی زاپاتیستی:

روی یک دیوار در کاراکول اونتیک این جمله به چشم می خورد: «انسان در فلسفه ما بخشی از طبیعت است.» در جای دیگری روی دیوار نوشته شده است: «فراموش نکن که زمین خانه تو و طبیعت باغچه ات است، در حفظ آن ها کوشا باش.» مردم چیپاس زمین را «زمین مادر» می نامند که زندگی می دهد. زاپاتیست ها به حفاظت از زمین و طبیعت توجه خاصی می کنند.

کاراکول ها تا آن جایی که امکان دارند زباله ها را دسته بندی می کنند. با این حال مردم بسیاری هنوز به دسته بندی زباله ها اهمیت نمی دهند و آن ها را هر جایی می اندازند.

منبع های آب زیادی وجود دارند که نشأت می کنند و از دست می روند. کاراکول گاراچوا برای صرفه جویی در مصرف آب، دست به تهیه توالت های خشک زده است و بدین ترتیب کود طبیعی تولید می شود. در بیش تر کاراکول ها مخازنی برای جمع آوری آب باران تعبیه شده است.

تمام کاراکول ها برنامه هائی را برای بازیافت حداکثر در دستور کار قرار داده اند. در کاراکول رثالیداد کارگاهی برای آموزش بازیافت دستگاه های الکترونیک راه اندازی شده است. هدف کاراکول ها بازیافت مواد اولیه و اجناس ساخته شده قرار گرفته است.

کاراکول مورلیا نخستین کاراکولی بود که یک رشته اقدامات را برای حفاظت از جنگل ها عملی کرد. در این کاراکول تصمیم گرفته شد که از چوب فقط در مصارف خانگی بهره برداری شود و کسی نمی تواند آن را به فروش برساند. هر

کس که درختی را برای مصرف خانگی قطع می کند، موظف است درخت های دیگری بکارد. بقیه کاراکول ها همین تصمیم را پس از مورلیا گرفتند.

در کاراکول رنالیاد صفحات خورشیدی برای تولید برق به تدریج مستقر می شوند. در همین کاراکول برق از طریق یک توربین تهیه می شود، اما اگر نقص فنی به وجود بیاید، زاپاتیست ها مجبوراند به کمک های بین المللی چشم بدوزند.

خودگردانی اقتصادی زاپاتیستی:

دولت مرکزی مکزیک پس از ایالات متحده آمریکا در پی خصوصی سازی هر چه بیش تر اقتصاد است. در خصوصی سازی نئولیبرالی هر قدر سرمایه داران ثروتمندتر می شوند، مردم فقیرتر می گردند. بی جهت نیست که ده سال پس از اجرای توافقات ALENA دستمزدهای واقعی زحمتکشان ۲۰٪ کاهش یافتند. در همین زمان کارلوس سلیم به سومین ثروتمند بزرگ در سراسر جهان تبدیل شد.

دولت مرکزی مکزیک در دهه نود میلادی سده گذشته به لیبرالیزه کردن هر چه بیشتر بخش کشاورزی همت گمارد. این دولت حتا دست به ترمیم قانون اساسی زد به طوری که موادی از آن که دستاورد انقلاب ۱۹۱۷ این کشور بود به ضرر کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک تغییر کرد. کار به جایی رسید که برخی از کشاورزان تصمیم گرفتند زمین های خود را بفروشند و برای کار به شهرهای بزرگ بروند که این پدیده خود به خود به بزرگ شدن ارتش بیبویان حاشیه شهرها انجامید.

تأسیس کاراکول ها به دهقانان اجازه داد که با یک سازماندهی نوین بتوانند از دست رنج کار خود به زندگی ادامه دهند. در کاراکول اونتییک سه تعاونی ایجاد شد تا زنان بتوانند محصولاتی را که تولید می کنند به فروش برسانند. در هر تعاونی چندین زن از municipe های مختلف گردهم آمدند و هر کس به نوبت مغازه تعاونی را برای یک هفته می گرداند. یکی از زنان عضو تعاونی می گوید که مغازه تعاونی به اندازه کافی مشتری ندارد و به همین دلیل تصمیم گرفته شد محصولات تولیدی به خارج صادر گردد. ایجاد یک شبکه صادرات یک سال وقت برد.

تعاونی ایجاد شده در کاراکول مورلیا به تولیدکنندگان قهوه امکان داد تا بتوانند محصولاتشان را پنجاه درصد گران تر از گذشته بفروشند. در این تعاونی هم مسأله صادرات تولید قهوه به خارج بررسی شد چرا که مردم محلی توانایی مالی کافی را برای خرید قهوه ندارند.

بقالی ها نیز به صورت تعاونی فعالیت می کنند. سودی که از فروش اجناس در بقالی های تعاونی به دست می آید فقط صرف بهبود زندگی اعضای آن نمی شود و بخشی از آن در اختیار اجرای برنامه های کاراکول قرار می گیرد.

یکی دیگر از برنامه های کاراکول ها گسترش اینترنت است. در کاراکول های باریوس و گاروچا اتصال اینترنت در اختیار همگان است و برای یک ساعت پانزده پزوس برابر با یک یورو دریافت می گردد. هدف زاپاتیست ها برای گسترش اینترنت یاری رساندن به مردم چیاپاس برای آشنائی با جهان است. آنان همچنین گفته اند که اینترنت فرصت تبادل تجربیات را فراهم می کند.

مردمی که در چیاپاس، این جنوبی ترین ایالت مکزیک، زندگی می کنند فقط به علت وضعیت جغرافیائی شان ایزوله نیستند، جاده ها و راه های ارتباطی یا اصلاً وجود ندارند یا در وضعیت بسیار بدی هستند. زاپاتیست ها به هیچ وجه توانائی مالی گسترش جاده ها را ندارند، لذا تصمیم گرفته شد که برای کم کردن رنج مردم که مجبور بودند برای برخی از کالاها به شهرهای بزرگ بروند، انبارهایی در منطقه ایجاد گردد.

زاپاتیست ها تلاش می کنند که محصولات تولیدی در چیپاپاس به بهائی پذیرفتنی به فروش برسند. کاراکول اونتیک برای نخستین بار بازاری را برای فروش محصولات تولیدی راه اندازی کرد که همگان می توانند از خارج نیز به آن بیایند. این موضوع به دهقانان امکان داد تا بتوانند محصولاتی را که پیش از این واسطه ها به بهای کم می خریدند، مستقیماً به مصرف کنندگان بفروشند. اما همین واسطه ها و دلالان بیکار نشستند و بارها دست اندرکاران بازار اونتیک را به مرگ تهدید کردند.

یکی دیگر از اقدامات زاپاتیست ها تهیه وسایل نقلیه برای حمل و نقل افراد و کالاها از روستا به شهر و از شهر به روستاست چرا که تا پیش از آن دلالان و واسطه ها هر جور که می خواستند شیره جان مردم را می مکیدند، آنان محصولات تولیدی را ارزان می خریدند و محصولات مورد نیاز را گران می فروختند.

محبوبیت زاپاتیست ها تا جایی رسیده است که برخی از اجناس به نام آنان در مغازه ها فروخته می شوند در حالی که در چیپاپاس و توسط مردم خودگردان کاراکول ها تولید نشده اند.

زاپاتیست ها برای عملی کردن برخی از پروژه ها از کمک های بین المللی بهره می برند. انجمن باسک صلح و همبستگی به سیستم بهداشتی کاراکول گاروچا کمک مالی می کند. چندین انجمن بین المللی به نام «مدرسه برای چیپاپاس» شکل گرفته اند که به مدرسه سازی یاری می رسانند. پوشیده نیست که زاپاتیست ها به این کمک ها نیازمندند هر چند ایجاد تعاونی ها به تدریج بخشی از نیازهای مالی را برآورده می کند. کاراکول ها، این «حلزون» ها جلو می روند، اما آهسته و کم و کم!

**

در بیستمین سالگرد تولد جنبش زاپاتیستی زندگی آن گونه که در بالا به طور خلاصه آورده شد، سازماندهی می شود. مسلم است که زاپاتیست ها چیپاپاس را به بهشت تبدیل نکرده اند و مشکلات و کمبودها در همه زمینه ها فراوان هستند. رمز تداوم جنبش زاپاتیستی تاکنون در نحوه سازماندهی آن ها با امکانات موجود بوده است. در این سازماندهی از کسی خواسته نمی شود که بگوید دین دار است یا خدانا باور است، مردمی که در مجامع عمومی گردهم می آیند مجبور نیستند پایبند به یک ایدئولوژی باشند و از کسی پرسیده نمی شود که عضو چه گروه یا حزبی هست یا نیست. عضویت در ارتش رهائیبخش ملی زاپاتیست حق ویژه ای به اعضای آن نمی دهد و آنان مانند هر کس دیگری در مجامع عمومی شرکت کرده و برابری را می دهند یا تصمیم گیری می کنند. بسیاری از رسانه های بزرگ مارکوس را رهبر جنبش زاپاتیستی معرفی می کنند، در حالی که او بارها اعلام کرده است که او Comandante یا «فرمانده» نیست. با این حال لقب Subcomandante یا معاون فرمانده برای او برگزیده شده است. او با گفتن این که Comandante مردمی هستند که در مجامع عمومی شرکت می کنند این نامگذاری را می پذیرد.

بدیهی ست که بسیاری هم هستند که با تمسخر به جنبش زاپاتیستی نگاه می کنند و آن را نه یک جنبش ضدلیبرالی و برای آزادی و برابری بلکه جنبشی دهقانی و عقب مانده ارزیابی می کنند. اینان البته هنوز پای در غل و زنجیرهای ایدئولوژیکی دارند که شکستشان را همگان در سده بیستم میلادی شاهد بودند. بد نیست این افراد به این نکته توجه کنند که در نقطه ای کوچک از جهان به نام چیپاپاس مردم تصمیم گرفتند خود رتق و فتق امورشان را به دست بگیرند و عطای دولت را به لقایش ببخشند. چنین دیدی نه فقط عقب مانده نیست بلکه خود می تواند الگوی خودرهای مردم هر نقطه ی دیگری از جهان باشد. واضح است که جنبش زاپاتیستی نیز مانند هر جنبش انقلابی دیگر می تواند از مسیر اصلی منحرف شود و مثلاً رهبرپذیر یا تمرکزگرا گردد و عده ای را به عناوین مختلف بالای سر مردم قرار دهد. در این صورت این جنبش نیز شکست خواهد خورد. فروپاشی و اضمحلال تک به تک کشورهای سابق و موجود بلوک

شرق از شوروی و لهستان گرفته تا چین و کوبا به همگان نشان داد که دوران جنبش های انقلابی ایدئولوژیک، حزبی و متمرکز به پایان رسیده است و سرانجام آن ها به جز بازسازی نظم نابرابر و آزادی ستیز سرمایه داری نیست. جنبش زاپاتیستی هر چند تلاش های فراوانی برای ارتباط با جهان می کند اما همیشه از سکوت رسانه ها در بازتاب اقداماتش رنج برده است. برای مثال کم تر رسانه بزرگی بود که روز ۲۱ دسمبر ۲۰۱۲ ورود بیش از چهل هزار زاپاتیست را به پنج شهر اصلی چیپاس بازتاب داد. کم تر کسی در ماه اگست ۲۰۱۳ باخبر شد که زاپاتیست ها ۱۷۰۰ نفر را از چهارگوشه جهان به «مدارس کوچک» زاپاتیستی دعوت کردند تا با آنان از «آزادی از نظر زاپاتیست ها» سخن بگویند. این تجمع بین المللی به زاپاتیست ها امکان داد تا مدعوین را با برنامه های آموزشی و بهداشتی آشنا نمایند و پروژه های خود را در باره ارتباطات، کارگاه های کفش سازی و حتا بانک های خودگردان معرفی کنند. زاپاتیست ها در این گردهم آئی کم نظیر همچنین از سازماندهی قضائی سخن گفتند که بر اساس ترمیم و بازآموزی و نه تنبیه قرار دارد.

در کشورهای مختلف جهان مراسم گوناگونی برای بزرگداشت بیستمین سالگرد تولد جنبش زاپاتیستی در نظر گرفته شده است که عمدتاً در طی یک هفته برگزار می شوند. شرکت در این مراسم نشان از همبستگی بین المللی با جنبش زاپاتیستی خواهد داشت.

ن. تیف

۲۰۱۳ / ۱۲ / ۳۱ - ۱۳۹۲ / ۱۰ / ۱۰

منابع:

<http://enlacezapatista.ezln.org.mx>

<http://www.cetri.be>

دمکراسی دیگر زاپاتیستی، نوشته J. P. Petitgras

کاراکول ها در نظم خودگردان زاپاتیستی، نوشته ی A. Aubry